

جنایات بزرگ

جان اسکات

احمد کاظم زاده

علیرضا فرد کاشانی

انتشارات جنگل

سرشناسه	اسکات، جان Escott, John :
عنوان و نام پدیدآور	جنایات بزرگ/ جان اسکات :
مشخصات نشر	ترجمه: احمد کاظم زاده، علیرضا فرد کاشانی.
مشخصات ظاهری	تهران: جنگل، جاودانه، ۱۳۹۱
شابک	۱۳۶ ص. :
وضعیت فهرست نویسی	۹۷۸-۶۰۰-۳۱۶-۰۱۳-۲ :
یادداشت	فیفا :
موضوع	عنوان اصلی: Great Crimes :
موضوع	جرم و جنایت - - نمونه پژوهی :
شناسه افزوده	کتابهای قرائت - - جرم و جنایت :
شناسه افزوده	کاظم زاده، احمد، ۱۳۶۲ - مترجم :
رده بندی کنگره	فرد کاشانی، علیرضا، ۱۳۶۲ - مترجم :
رده بندی دیویی	۱۳۹۱ ج ۵ الف ۱۸۱/ HV۶ :
شماره کتابشناسی ملی	۳۰۴۸ :
	۳۰۵۶۶۰۵ :



عنوان کتاب: جنایات بزرگ

مترجمان: احمد کاظم زاده، علیرضا فرد کاشانی

ناشر: انتشارات جنگل، جاودانه

ناظر فنی: امین لشکری

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۲

قطع و تیراژ: رقعی، ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۵۰۰۰ ریال به همراه CD رایگان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۶-۰۱۳-۲

[http:// www.junglepub.org](http://www.junglepub.org)

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۹۰۴۶۵-۶۶۴۹۰۳۸۲-۴

[email:// Info@junglepub.org](mailto:Info@junglepub.org)

۰۳۱۱-۳۲۰۵۰۶۷-۳۲۰۳۸۰۰-۹

«حق چاپ برای مترجمان محفوظ است»

بسیاری از ما شیفته خواندن خبرهای جنایی
روزنامه‌ها، داستان‌های شرلوک هولمز و دیگر
کارآگاهان بزرگ هستیم.

کتاب حاضر به معرفی برخی از جنایات بزرگ
قرن، از جمله آدم‌ربایی خانواده لیندبرگ و
سرقت تابلوی مونالیزا می‌پردازد و سرگذشت
جنایتکاران بزرگی مثل دکتر کرپین قاتل را به
تصویر می‌کشد. پرونده بیشتر این جرائم مثل
دکتر کرپین قاتل مختومه شده، اما برخی مانند
ترور کندی، رئیس جمهور آمریکا همچنان
معمایی حل نشده است.

فهرست مطالب

۱	 The Kennedy Assassination (ترور کندی)
۱۵	 The Great Train Robbery (سرقت بزرگ قطار)
۳۵	 Dr. Crippen – Murderer (دکتر کریپن قاتل)
۵۳	 The Lindbergh Kidnapping (آدم‌ربایی خانواده لیندبرگ)
۷۱	 Shergar (شرگار)
۷۹	 Patty and the Terrorist Trap (پتی و دام تروریستی)
۹۳	 The Mona Lisa Robbery (سرقت تابلوی مونا لیزا)
۱۱۱	 پرسش‌ها
۱۱۹	 فعالیت‌ها
۱۲۱	 واژه‌نامه

بنام خدایی که جان آفرید سخن گفتن اندر زبان آفرید

وژگان هر زبان، که میانگر طرز تفکر و نحوه ابراز احساسات کاربران آن است، در زبان‌های مختلف به اشکال گوناگون در ذهن آنان ذخیره می‌گردد. هر واژه علاوه بر القای معنای اصلی (Denotation)، ذهن را به طور غیرمستقیم و ضمنی درگیر فضای احساسی خاص خود می‌کند (Connotation). برای نمونه معنای اصلی واژه مادر "زنی که دارای فرزند می‌باشد" است اما هنگام کاربرد آن معنایی چون "مهربانی، عشق به فرزند، فداکاری و ترحم" نیز به ذهن می‌آید که بیانگر معانی ضمنی آن در یک زبان خاص است و ممکن است در زبان‌های دیگر کاملاً متفاوت باشد. و یا واژه جغد در زبان فارسی نماد شومی و نحوس است، درحالی‌که در زبان انگلیسی سمبل ذکاوت و هوشیاری می‌باشد (As wise as an owl). اکنون این پرسش مطرح است که آیا می‌توان هر آنچه در یک زبان بیان می‌شود، تمام و کمال و بدون هیچ کم و کاستی در معنای اصلی و ضمنی، به زبانی دیگر نیز بیان کرد؟

عده‌ای از زبان‌شناسان و ترجمه پژوهان به پرسش بالا پاسخ مثبت داده و مدعی شده‌اند "هر آنچه به یک زبان گفته شود به زبان‌های دیگر نیز

قابل بیان خواهد بود". برخی دیگر معتقدند شکل ظاهری همیشه قابلیت انتقال ندارد و نباید ظاهر (Form) یک گفته (Utterance) را قربانی معنا و مفهوم (Meaning) آن نمود. در این بین، دیدگاه حقیر اندکی متفاوت است که جهت روشن شدن آن فرضیه‌ای مطرح می‌شود: فرض کنیم واژگان هر زبان را بتوان به حالت مایع درآورد، و درون ظرف‌های مخصوص ریخت. پرواضح است که چه از نظر شکل ظاهر و چه معنا با اشکال و مفاهیم یکسانی روبرو نشده و برای هر کدام از آنها حجم مجازی یکسانی در نظر گرفته نخواهد شد و بنابراین به ظروف مختلف با اشکال گوناگون نیاز خواهد بود. اکنون گنجینه‌ای از ظروف در بسته و کادو شده را در اختیار خواهیم داشت که هر کدام حاوی اطلاعات یک واژه به همراه تمام جزئیات آن است. به عبارت دیگر هر ظرف بیانگر یک واژه و محتوای هر ظرف نیز بیانگر اجزای معنای آن واژه است. سپس همین عمل را با یک زبان دیگر نیز انجام می‌دهیم. حال اگر بخواهیم محتوای یکی از ظروف را از یک زبان به ظرفی در زبان دیگر بریزیم، چه اتفاقی رخ خواهد داد؟ کدام ظرف مناسب تر خواهد بود؟ آیا می‌توان ادعا کرد هرگونه تبادل محتوا، تمام و کمال و بدون هیچگونه سرریز و یا سرخالی ماندن انجام خواهد گرفت؟ گذشته از اینکه آیا اصلاً می‌توان قرینه‌ای برای حتی ظرف خالی (شکل ظاهر واژه) زبان مبدا را عیناً در زبان مقصد هم یافت یا خیر؟ پاسخ منفی است! مثال زیر ادعای بالا را واضح‌تر می‌نماید.

می‌خواهیم معادل واژه *Student* را که در زبان انگلیسی به معنای "کسی که در مدرسه یا دانشگاه درس می‌خواند"، است، در زبان فارسی بیابیم. پس از اندکی تفحص در تاروپود ذهنمان احتمالاً به واژه دانش‌آموز برمی‌خوریم که به معنای "کسی که در مدرسه درس می‌خواند" است و چون در انتقال مفهوم دانشگاه نسبت به قرینه انگلیسی خود دچار نقص معنایی است، ظرف را اندکی سرخالی نگه می‌دارد برای پر کردن این خلا، بار دیگر تاروپود بخش فارسی

ذهن را مرور می‌کنیم و این بار واژه دانشجو را می‌یابیم که به معنای "کسی که در دانشگاه درس می‌خواند" است. اما این معادل نیز از ناحیه دانش آموز بودن دچار فلج معنایی است و ظرف مذکور همچنان در انتظار پر شدن. سرانجام، مولفه‌های واژه Student را تفکیک نموده و به ناچار، شبیه ترین معادل فارسی را برمی‌گزینیم. البته که این موضوع نه تنها ضعف زبان زنده فارسی را بر نمی‌تابد که بیانگر جزئی نگری و دقت بیشتر نسبت به زبان انگلیسی در این مورد نیز هست، چرا که هنگام بر زبان هر کدام از واژه‌های دانش آموز، دانشجو، و یا حتی دانش پژوه به انگلیسی، تنها واژه Student را خواهیم یافت و این بار نوبت زبان انگلیسی است که جبراً از نقص خود رونمایی کند.

نتیجه اینکه یافتن معادلی در زبان مقصد که تمام جزئیات واژه‌ای در زبان مبدأ را عیناً در بر داشته باشد، امری بس بعید است و آنچه بنام معادل خارجی یک واژه می‌شناسیم در واقع مشابه ترین واژه به آن است. بنابراین با افزودن واژه مشابه به عبارت آغازین بحث می‌توان این گونه پیشنهاد کرد که "مشابه هر آنچه به یک زبان گفته شود به زبان‌های دیگر نیز قابل بیان خواهد بود".

آنچه گفته شد پیش در آمدی بر این سخن بود که چون جنایات بزرگ در میان طیف وسیع ترجمه، از Very Literal و Word-for-Word گرفته تا Idiomatic و Unduly Free، به هیچ گروهی تعلق محض نمی‌تواند داشته باشد، نام ترجمه برای آن اندکی ناصواب بوده و تصویر درستی از آن روانه ذهن نمی‌کند. این تحفه، تلاشی است که مشابه آنچه در ذهن نویسنده بوده را در نظر خواننده بازسازی نماید و از این حیث، تشبیه سازی جایگزین مناسبتری به نظر می‌رسد.

در پایان امیدوارم مطالعه این کتاب، مطلوب ترجمه پژوهان و همچنین زبان آموزان واقع گردد.

احمد کاظم زاده

۱ The Kennedy Assassination

ترور کندی

‘Where were you when you heard that President Kennedy had been shot?’

وقتی شنیدید به آقای کندی، رئیس جمهور آمریکا شلیک شده کجا بودید؟

This is a question that most people who were alive at the time can answer.

این سؤالی است که اکثر کسانی که در آن زمان در قید حیات بوده‌اند قادر به پاسخ آن هستند.

It is one of those moments that they can remember clearly, and will never forget.

آنان این لحظه را خوب به خاطر دارند و هرگز از یاد نمی‌برند.



On the morning of November 22, 1963, the President of the United States of America, John F. Kennedy, arrived in Dallas, Texas, with his wife, Jacqueline, on an official visit.

صبح روز یازدهم آبان سال ۱۳۴۲، جان اف. کندی رئیس جمهور ایالت متحده آمریکا به همراه همسرش ژاکلین جهت یک دیدار رسمی وارد شهر دالاس تگزاس شدند.

It was a beautiful sunny day.

هوا صاف و دلنشین بود.

At 11.50 a.m. they left the airport at Love Field, and crowds stood along the streets of Dallas to watch the open-topped presidential car go past.

آنها ساعت ۱۱:۵۰ صبح از فرودگاه لاوفیلد بیرون آمدند. جمعیت در امتداد خیابان‌های دالاس ایستاده بودند تا شاهد عبور ماشین رو باز رئیس جمهور باشند.

Mr and Mrs. Kennedy arrive at Love Field on 22 November 1963



ورود آقای کندی و همسرش به فرودگاه لاوفیلد در تاریخ یازدهم آبان سال ۱۳۴۲